



بازخوانی مسیر تحولات ارزی کشور در گفتگو با یک کارشناس

## رفتار بهینه ارزی در یک وضعیت گریزناپذیر

مجددا نرخ صادراتی شناور را اعلام کرد، اما به دلیل شکاف زیاد قیمتی با بازار آزاد، مجددا در اردیبهشت سال ۱۳۷۴ نرخ صادراتی را حذف و نرخ ثابت را اعلام کرد. سال ۱۳۷۵ سال تثبیت نرخ‌های شناور و صادراتی بود. در طی سال‌های ۷۵ و ۷۶ نظام ارزی کشور تغییر عمده‌ای نداشت و کماکان مبتنی بر دو نرخ رسمی پایه و صادراتی بود. براساس مقرراتی که در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید نرخ واریزنامه، در پاره‌ای موارد جایگزین نرخ صادراتی شد. به دنبال حذف نرخ ارز صادراتی از سیستم ارزی کشور نرخ گواهی سپرده ارزی و نرخ توافقی در کنار نرخ شناور مبنای محاسبه مبادلات ارزی کشور قرار گرفت. ما از سال ۷۱ تا ۸۱ به تناوب نرخ ارز را تغییر دادیم؛ گاهی آن را شناور و گاهی ثابت اعلام کردیم، اما در سال ۸۱ به توصیه صندوق بین‌المللی پول، سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در پیش گرفته شد. البته این نهاد بین‌المللی پنج شرط را برای موفقیت کامل در اجرای این سیاست لازم دانست؛ کنترل قیمت کالاهای اساسی، عدم افزایش بدهی دولت به بانک مرکزی و تعرفه‌ها، حفظ تراز بودجه‌ای و بهبود صادرات غیرنفتی از جمله این شرط‌ها بودند. خوشبختانه ایران تا حدودی موفق به اجرای شروط

گفت‌وگو: راشل آرامیان

رئیس اداره خزانه‌داری و امور بین‌الملل بانک توسعه صادرات، از کارشناسی بود که نظر او را درباره نرخ بهینه ارز در اقتصاد کشور جویا شدیم. محمدصادق آجورلو، تصویر کاملی از نقش ارز و نرخ آن در اقتصاد ما و در مبادلات خارجی و بویژه صادرات ارائه کرد. او معتقد است اقتصاددانان تنها یک راه حل برای دستیابی به نرخ بهینه ارز ارائه کرده‌اند و آن ذخیره تمامی ارزهایی است که در نتیجه فروش نفت حاصل می‌شود. اگر دولت بانک مرکزی را تحت فشار قرار ندهد تا ارزها را در بازار بفروشد یا اینکه هزینه‌های دولت از این طریق تامین نشود، نرخ ارز بهینه خواهد شد.

و خروج ارز محدود یا دست‌کم تحت کنترل است. به جز این دو روش، روش دیگری نیز وجود دارد که نرخ شناور کنترل شده نامیده می‌شود. سیاستی که برای تعیین نرخ ارز در ایران به کار گرفته می‌شود، براساس کدامیک از این سه رژیم است؟  
 در حال حاضر بانک مرکزی در ایران از روش نرخ شناور مدیریت شده استفاده می‌کند.  
 بانک مرکزی از چه سالی تصمیم گرفت که این سیاست را اجرا کند؟  
 بانک مرکزی از سال ۱۳۷۱ تلاش کرد که نرخ شناور کنترل شده را اجرا کند. البته نتوانست در به کارگیری این روش به طور کامل موفق شود. در سال ۱۳۷۳

ابتدا از کلیات بحث آغاز کنیم، چند رژیم ارزی در جهان وجود دارد؟

رژیم ارزی، روشی است که کشورها به وسیله آن ارز خود را در مقابل ارزهای خارجی و بازارهای آن‌ها مدیریت می‌کنند. رژیم‌های ارزی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند که می‌توان دسته سوم هم به آنها اضافه کرد. برخی دولت‌ها برای کنترل نرخ ارز از سیاست نرخ ارز آزاد استفاده می‌کنند که به نرخ ارز شناور معروف است. در این روش، ورود و خروج ارز به کشور آزاد است و بانک مرکزی و دولت در کنترل ارز دخالت نمی‌کنند. برخی از کشورها نیز هستند که نرخ ارز را به صورت ثابت کنترل می‌کنند. در این روش ورود



## اقتصاد ایران به دلیل خصوصیات ذاتی که دارد با مدل‌های اقتصادی رایج در جهان متفاوت است به عنوان نمونه، مهم‌ترین عامل در افزایش بهای ارز، نرخ تورم است، اما علی‌رغم این که نرخ تورم در سال گذشته افزایشی بود، نرخ ارز، افزایش نیافت که دلیل آن هم وجود درآمدهای هنگفت ارزی حاصل از فروش نفت است

را خریداری کنند، ارزش پول ملی ما تقویت می‌شود و نرخ ارز کاهش می‌یابد و برعکس این نیز صادق است یعنی اگر کسر تراز داشته باشیم، این نشان‌دهنده این است که کشور ما یک کشور وارداتی است و کسری تراز و افزایش واردات نیز موجب افزایش نرخ ارز و تضعیف پول ملی می‌شود. البته از نظر تئوری بنیادی عوامل دیگری نیز وجود دارند مانند موقعیت اقتصادی یک کشور، در صورتی که اقتصاد کشوری، سالم باشد ارزش پول ملی آن نیز بالا خواهد بود و به تبع آن بهای ارز در آن کشور با کاهش همراه می‌شود، اما اگر اقتصادی ناسالم باشد و شاخص‌هایی مانند میزان تولید، خرده‌فروشی، رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری و... از وضعیت مطلوبی برخوردار نباشند، ارزش پول ملی تضعیف شده و نرخ ارز صعودی خواهد بود.

بهای کالاهای مهم جهانی نیز می‌توانند در تعیین نرخ ارز موثر باشند. کالاهایی چون نفت، طلا، و دیگر فلزات گرانبها همچون قلع، روی، مس و حتی مواد غذایی مانند گندم، جو، ذرت و قهوه از جمله کالاهای استراتژیک هستند. برای نمونه، به محض اینکه بهای طلا کاهش پیدا کند، ارزش دلار در بازارهای جهانی بالا می‌رود و زمانی که بهای طلا با افزایش همراه شود، دلار نیز تضعیف خواهد شد. عامل چهارمی که بر نرخ ارز تاثیرگذار است، کنترل عرضه پول و نقدینگی توسط بانک مرکزی است. این نهاد سیاستگذار با سه ابزار مهم پولی می‌تواند نرخ ارز را کنترل کند؛ نرخ بهره یا سود بانکی یکی از این ابزارهاست، میزان ذخایر قانونی بانک‌های تجاری و انتشار اوراق مشارکت نیز جزو ابزارهای در دست بانک مرکزی هستند.

اما بانک مرکزی دو سال است که ذخایر قانونی بانک‌ها و نرخ سود را کاهش داده، حتی در سال گذشته اوراق مشارکت نیز منتشر نکرده است. این سیاست‌ها انساباتی است و افزایش نقدینگی را به دنبال دارد که موجب افزایش بهای ارز می‌شود، در حالی که قیمت ارز افزایش نیافته است...

اقتصاد ایران به دلیل خصوصیات ذاتی از جمله تک محصولی با مدل‌های اقتصادی رایج متفاوت است. اقتصاد ایران تک‌محوری و وابسته به نفت است، این عامل چه اثری بر نرخ ارز دارد؟

این نحوه تعیین نرخ ارز زیاد منطقی و حساب شده به نظر نمی‌رسد. رویکرد دیگری نیز در تعیین نرخ ارز وجود دارد که به p.p.p یا (Purchase Power Parity) معروف است. این واژه در زبان فارسی، نامیده می‌شود. این رویکرد، نرخ ارز معاملات تجاری بین دو کشور را تعیین می‌کند؛ به این شکل که یک سبد از کالایی در کشوری مثل ایران در مقایسه با همان سبد از کالا در کشوری مانند اسپانیا، قیمت متفاوتی دارد و قیمت برابری دو سبد کالا در دو کشور با بهای متفاوت با برابری قدرت خرید سنجیده می‌شود. برخی از اقتصاددانان به این رویکرد نیز مانند رویکرد قبلی خرده می‌گیرند و آن را به عنوان سبد کالایی نمی‌پذیرند.

در این بین رویکرد سومی نیز مطرح است که به آن (Approach Portfolio) می‌گویند. رویکرد پرتفوی، نرخ ارز را با توجه به میزان ذخایر ارزی یک کشور تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، در صورتی که حجم ذخایر ارزی کشور بالا باشد، باید بخشی از آن را در داخل نقد کرد و بر این اساس نرخ ارز مشخص خواهد شد. این رویکرد برخلاف دو رویکرد قبل به هیچ‌وجه مجموعه جریانات و معاملات بین چندین کشور را در نظر نمی‌گیرد و تنها براساس ذخایری که با توجه به صادرات (چه نفتی و چه غیرنفتی) و واردات وجود خواهد داشت، نرخ ارز تعیین می‌شود. اگر میزان ذخایر ارزی زیاد باشد، دولت می‌تواند با در پیش گرفتن سیاست عقیم‌سازی، از تاثیر این عوامل در کاهش یا افزایش ارزش پول ملی جلوگیری کند. دولت همچنین می‌تواند با انتشار اوراق قرضه یا افزایش ذخایر قانونی بانک‌های تجاری و جوه را از سطح جامعه جمع‌آوری کند و نقدینگی را کاهش دهد و از این طریق برای تعیین نرخ ارز اعمال سیاست کند.

**عوامل تاثیرگذار بر نرخ ارز، کدامند؟**

نرخ ارز متغیر کلیدی در تعدیل و تنظیم ورود و خروج سرمایه و صادرات و واردات و یکی از پارامترهای کلیدی در تعیین کارایی نظام اقتصادی هر کشوری است. یکی از عوامل مهم در نرخ ارز، تراز تجاری است. زمانی که مازاد تراز داشته باشیم، یعنی واردات ما کمتر از صادرات است، تبعاً چنین کشوری، یک کشور صادراتی محسوب می‌شود. زمانی که سایر کشورها، کالاهای ما

صندوق بین‌المللی پول شد.

گفتید بانک مرکزی با نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده، نرخ ارز را اعلام می‌کند، این نرخ مرجع بر چه اساس تعیین می‌شود؟

بانک مرکزی براساس تغییرات چند ارز عمده جهانی، نرخ مرجع را تعیین می‌کند. یعنی ریال، میخکوب به یک ارز نیست. نخستین ارز از این سبد، یورو است که حدود ۵۰ درصد سبد ارزی را تشکیل می‌دهد؛ دومین و سومین ارز، دلار و یورو هستند که هر کدام به ترتیب حدود ۴۵ و ۵ درصد در سبد ارزی نقش دارند.

مگر میزان دلار در سبد ارزی ما به دلیل تحریم کاهش نیافته است؟

البته بیش از یکسال است که دلار از سبد ارزی کشور در حال خارج شدن است. به همین دلیل بانک مرکزی برای ایجاد تنوع در سبد ارزی فرانک سوئیس و پوند انگلیس هم را به سبد ارزی اضافه نموده است.

**چند مکتب برای تحلیل و تبیین نرخ ارز وجود دارد؟**

در این زمینه دو مکتب اصلی وجود دارد؛ مکتب بنیادی (Fundamental) و مکتب فنی (Technical). مکتب بنیادی به شاخص‌های اقتصادی یک کشور در بلندمدت نظر دارد. رشد اقتصادی، بیکاری، شاخص خرده‌فروشی و... از جمله این شاخص‌ها هستند. مکتب دوم، مکتب فنی‌هاست. این مکتب برخلاف گروه اول، شاخص‌های کمتر از یکسال را مدنظر قرار می‌دهد. یعنی نرخ ارز را براساس نوساناتی که در گذشته پشت سر گذاشته، پیش‌بینی می‌کند. بر این اساس اگر روند نرخ ارز در گذشته صعودی باشد، پس در آینده نیز نرخ ارز افزایشی خواهد بود یا بالعکس.

**تحلیل بنیادیون از نحوه تعیین نرخ ارز چیست؟**

تحلیل بنیادی معتقد است، نرخ ارز هم مانند کالا ارزش ذاتی دارد. این نظریه سه رویکرد متفاوت را مطرح می‌کند. البته اقتصاددانان در خصوص سه رویکرد اخیر، نظرات موافق یا مخالف ارائه می‌کنند. رویکرد نخست، تراز پرداخت است. بر این اساس حساب جاری یک کشور بررسی می‌شود و هرچه کسری تراز داشته باشیم یعنی روند صادرات ما کاهش می‌یابد، نرخ ارز افزایش می‌یابد و هرچه مازاد تراز داشته باشیم نرخ ارز کاهش می‌یابد و ارزان‌تر به فروش می‌رسد. بنا بر این رویکرد، با توجه به تراز تجاری، نرخ ارز را می‌توان پیش‌بینی کرد. حتی می‌توان روند نوسانات ارز در سال آینده را نیز براساس پارامترهای واردات، صادرات و کسری یا مازاد تراز پیش‌بینی کرد.

البته اقتصاددانان بر این پارامترها و پیش‌بینی‌های صورت گرفته براساس آنها، اتفاق نظر ندارند و نواقصی را نیز بر این رویکرد مطرح می‌کنند. برخی معتقدند پارامترهای خاص مانند بیکاری و اشتغال در رویکرد of Balance Payment سنجیده نمی‌شود، به همین دلیل نمی‌توان پارامترهای کیفی را در پارامترهای کمی تاثیر داد. بنابراین

□ زمانی که دلارهای نفتی وارد کشور می‌شود، بانک مرکزی مجبور است به دستور دولت آنها را به ریال تبدیل کرده و به اقتصاد داخلی تزریق کند. براساس تئوری مقداری پول، در این حالت بهای ارز باید افزایش یابد، اما در ایران اینگونه نیست.

**آیا عوامل دیگری نیز هستند که در تعیین نرخ ارز دخیل باشند؟**

□ بله، سیاست‌های مالی نیز در این مقوله مهم هستند. سیاست‌های مالی همان سیاست‌های بودجه‌ای وزارت اقتصاد است. تغییر میزان عوارض گمرکی، تعرفه‌ها و مالیات از جمله ابزارهای سیاست مالی است. به جز این مورد، عوامل سیاسی مانند انتخابات، جنگ، تغییر دولت‌ها هم منجر به تغییر رویه مردم می‌شود تا برای خرید ارز تمایل بیشتری از خود نشان دهند. در این شرایط بسیاری از افراد به دنبال خرید ارزهای مطمئن هستند. فرانک سوئیس یکی از ارزهای بسیار مطمئن است.

در کنار این، عامل دیگری نیز مطرح می‌شود و آن روند سرمایه‌گذاری در کشور است. هر چه جذب سرمایه‌های خارجی افزایش یابد، به همان میزان ارزش پول ملی تقویت می‌شود؛ البته با نرخ بهره واقعی و نه نرخ بهره اسمی. با این روش می‌توان روند سرمایه‌گذاری را مطمئن کرد. اگر سرمایه‌گذاران خارجی بدانند که فضای کشور برای سرمایه‌گذاری امن است و همچنین می‌توان نرخ بهره بهتری را جذب کرد، طبیعتاً برای سرمایه‌گذاری در ایران تمایل پیدا خواهند کرد.

افزایش یا کاهش نرخ بهره، منجر به کاهش یا افزایش سرمایه‌گذاری می‌شود.

**بانک مرکزی به طور خاص تا چه میزان می‌تواند در تعیین نرخ ارز موثر باشد؟**

□ بانک مرکزی هر زمان که احساس کند نرخ ارز افزایش یافته، با تزریق ارز بیشتر به بازار مانع افزایش بهای آن می‌شود و افزایش ناگهانی آن را کنترل می‌کند. یک گفته یا مصاحبه رئیس کل بانک مرکزی نیز می‌تواند بهای ارز را با نوسان همراه کند.

**به اعتقاد شما، آیا تورم هم می‌تواند عامل افزایش بهای ارز باشد؟**

□ مهم‌ترین عامل در افزایش بهای ارز، نرخ تورم است، اما برخلاف این گفته، علی‌رغم این که نرخ تورم در سالهای گذشته افزایشی بود، نرخ ارز، افزایش نیافت. این نکته نشان‌دهنده این است که در ایران اینگونه نیست. یک تحلیل بدبینانه اقتصادی، نرخ دلار و تورم را در سال‌های ۶۷ تا ۸۷ مقایسه کرده بود؛ براساس این تحلیل، نرخ دلار در طول این ۲۰ سال باید براساس روند افزایشی تورم به رقم ۴۱۹۸ تومان می‌رسید، در حالی که در حال حاضر بهای دلار حدود یک هزار تومان است. البته تحلیل خوشبینانه‌ای نیز که از تعدیل نرخ کنونی ارز بوسیله شاخص قیمت‌های داخلی و ثابت خارجی بدست آمده است نشان می‌دهد که نرخ ارز با کاهشی معادل ۴۰ درصد از سال ۱۳۸۰ (با حدود قیمتی ۸۰۰ تومان) تاکنون مواجه بوده که با محاسبات کنونی می‌بایست اکنون به نرخ بیش از ۱۵۰۰ تومان افزایش می‌یافت.

**چرا این اتفاق در ایران نمی‌افتد؟**

□ بهای دلار به دلیل وجود درآمدهای هنگفت

ارزی حاصل از فروش نفت

تحت تاثیر شاخص تورم

قرار نگرفت و افزایش نیافت.

به غیر از تورم، کمبود مواد

اولیه صنعتی می‌تواند به عنوان

عاملی در افزایش نرخ ارز تلقی

شود. زیرا لازم است که مواد اولیه

مورد نیاز از خارج از کشور وارد شود.

علاوه بر این، هرچه عرضه ارز در بازار

کاهش یابد، به تبع، نرخ ارز نیز

افزایش می‌یابد.

**عوامل افزایش نرخ ارز چیست؟**

□ چند عامل مهم در افزایش نرخ ارز دخیل هستند.

عدم تعادل اقتصادی می‌تواند بر بهای ارز اثرگذار باشد.

در صورتی که تعادل اقتصادی وجود نداشته باشد، نرخ

ارز صعودی خواهد شد. مشکلات ساختاری اقتصاد نیز از

دیگر عوامل مهم به شمار می‌آیند که یکی از دلایل آن

افزایش هزینه‌های دولت است. هرچه دولت طرح‌های

عمرانی بیشتری اجرا کند، به همان اندازه به پول نقد

نیاز پیدا خواهد کرد. در این حالت عرضه نقدینگی زیاد

شده و در نتیجه، نرخ ارز افزایش می‌یابد. شکاف میان

هزینه‌ها و درآمدهای دولت که با عنوان کسری بودجه

دولت شناخته می‌شود، از عوامل افزایش نرخ ارز است.

طبیعتاً هرچه کسری بودجه بیشتر باشد، نرخ ارز روند

صعودی در پیش خواهد گرفت. بدهی دولت به سیستم

بانکی نیز که در سال‌های اخیر بسیار افزایش یافته

می‌تواند در افزایش نرخ ارز نقش داشته باشد. از سوی

دیگر هر چقدر استقراض خارجی و انتشار اسکناس بدون

پشتوانه بیشتر شود، نرخ ارز نیز افزایش خواهد یافت.

**غالباً ادعا می‌شود کشور چین موقعیت بی‌نظیری**

**کنونی خود را از طریق کاهش شدید ارزش برابری**

**پول ملی خود به دست آورده و اختلافات کنونی**

**آمریکا با کشور چین نیز بر سر همین موضوع است.**

**ارزیابی شما از این موضوع چیست؟ آیا ممکن است**

**ما هم این روش را در پیش بگیریم؟**

□ کشور چین چندین سال است که نرخ برابری پول

ملی خود با دلار را ثابت نگاه داشته و رونق صادرات نیز

به دنبال همین اقدام شکل گرفته است؛ زیرا قیمت تمام

شده تولیدات این کشور به میزان زیادی کاهش یافته و

در نتیجه رقابت‌پذیری تولیدکنندگان این کشور با دیگر

رقبا در جهان روند صعودی به خود گرفته است.

**ما نیز مانند چین چندین سال است که نرخ ارز را**

**ثابت نگه داشته‌ایم، در حالی که صادرات ما نه تنها**

**رشد نکرده بلکه افت نیز داشته است. چرا؟**

□ درست است که کشور ما نیز مانند چین، نرخ ارز را

ثابت نگه داشته و بجز درصد اندکی (در حدود ۵ درصد

در سال) افزایش نرخ دلار نداشته‌ایم، اما این تنها شرط

لازم برای رونق تولیدات و صادرات نیست. کشور چین

با معضلاتی مانند عدم تعادل اقتصادی، و از همه مهمتر

تورم روبرو نیست. اگر چین تورم خود را کنترل نمی‌کرد،

به طور حتم وضعیتی مانند ما داشت. پایین بودن

بهره‌وری نیز مزید بر علت است. کشور چین تورم خود

را با تورم جهانی یکسان کرده است. همچنین چندین

سال است که نرخ ارز را ثابت نگه داشته است. علاوه

بر این کشور چین از مازاد درآمدهای ارزی و حساب

جاری خود استفاده نمی‌کند و اکثر ارزهای دریافتی از

محل صادرات را سرمایه‌گذاری می‌کند. بنابراین به طور

خلاصه می‌توان گفت بسیاری از پارامترهای اقتصادی

مثل تورم تک‌رقمی، در ایران رعایت نمی‌شوند در حالی

که در کشور چین مدت‌هاست که این پارامترها برای



رونق و شکوفایی اقتصادی به کنترل درآمدهاند. علاوه بر این چین، ارزش پول ملی خود را در نازلترین حد ممکن قرار داده است تا هیچ کشوری توان رقابت با تولیدات آن را نداشته باشد.

در چهار سال گذشته نقدینگی از ۶۴ هزار میلیارد تومان به ۲۰۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است؛ آیا افزایش عرضه پول در نرخ ارز بازتاب یافته است یا خیر؟

مدل مقداری پول به این پرسش پاسخ می‌دهد. براساس این مدل، افزایش عرضه پول سریعاً در افزایش قیمت‌های داخلی بازتاب می‌یابد و هرچه پول بیشتری به داخل اقتصاد کشور تزریق شود، سطح عمومی قیمت‌ها با افزایش مواجه می‌شود. در عرصه بین‌المللی نیز هرچه عرضه پول بیشتر شود نرخ ارز افزایش می‌یابد، زیرا پایه پولی افزایش یافته است. در این بخش، بحث بسیار زیاد است. برخی می‌گویند نرخ ارز به واسطه تقاضا برای پول داخلی به نسبت پول خارجی، در حالت مثبت می‌تواند

**درست است که کشور ما نیز مانند چین، نرخ ارز را ثابت نگه داشته، اما این تنها شرط لازم برای رونق تولیدات و صادرات نیست. کشور چین با معضلاتی مانند عدم تعادل اقتصادی، تورم و... روبه‌رو نیست. اگر چین تورم خود را کنترل نمی‌کرد، به طور حتم وضعیتی مانند ایران داشت**

تحت تاثیر رشد اقتصادی قرار گیرد، در حالت منفی نیز می‌تواند تحت تاثیر تورم قرار گیرد.

براساس نظریه مقداری پول، هرچه میزان ارز وارد شده به کشور افزایش یابد، ارزش ارز نیز افزایش می‌یابد. اما برخی می‌گویند هرچه عرضه دلار بیشتر باشد، باید بهای آن نیز کاهش یابد که این نظریه درست نیست. در این صورت قیمت دلار پایین نمی‌آید بلکه بهای آن به صورت تعادلی حفظ می‌شود. دلیل اینکه کشور ما با گذشت این همه سال هنوز هم یک کشور وارداتی مانده همین نکته است. یعنی دلارهای نفتی به ریال تبدیل و به جامعه تزریق شده است.

**آیا اقتصاددانان به این تئوری نیز اشکالاتی وارد کرده‌اند؟**

ایرادی به این نظریه وارد است که برخی می‌گویند این نظریه نمی‌تواند نوسانات نرخ ارز را توجیه و برای آن پاسخ درستی ارائه دهد. برای نمونه این نظریه برای این پرسش که هرچه عرضه پول بیشتر شود، نرخ ارز نیز باید افزایش یابد در حالی که برعکس، نرخ ارز افت می‌کند، پاسخ روشنی ندارد. حتی برخی مواقع نرخ ارز برخلاف پیش‌بینی این نظریه، نوسان دارد یا سینوسی حرکت می‌کند.

برخی معتقدند افزایش نرخ ارز به کسری بودجه، تولید ناخالص داخلی و اشتغال اثر منفی می‌گذارد.

**نظر شما چیست؟**

برخی از اقتصاددانان معتقدند اگر نرخ ارز را افزایش دهیم تورم و کاهش تولید گریبانگیر کشور خواهد شد. برخی دیگر که این نظریه را نمی‌پذیرند می‌گویند، در صورتی که نرخ ارز افزایش یابد، قدرت رقابت تولیدکنندگان با کالاهای خارجی چه در داخل و چه در خارج از کشور نیز افزایش می‌یابد. منتها عوامل دیگری در کشور ما وجود دارند که باعث می‌شوند این فرضیه در مورد ایران صدق نکند. بنابراین دولتمردان قصد ندارند بهای ارز را از رقم فعلی پایین‌تر بیاورند. زیرا هرچه قیمت ارز، کاهش داده شود، به همان نسبت تولید داخل تضعیف می‌شود.

**آیا به نظر شما نرخ کنونی ارز، ارتباط خود را با واقعیت خارجی حفظ کرده یا این ارتباط را از دست داده است؟ زمانی یورو ۷۰۰ تومان و دلار ۸۰۰ تومان بود، در حالی که یورو در شرایط فعلی به ۱۴۰۰ تومان رسیده است. اما دلار افزایش مشابه**

نداشته است. آیا این به معنای عدم ارتباط بهای دلار با عالم واقع نیست؟

افزایش ارزش یورو به پایه‌های اقتصادی اروپا ارتباط دارد. در سال‌های اخیر شاخص‌های اقتصادی اروپا در برابر آمریکا افزایش چشمگیری یافت، در نتیجه یورو در برابر دلار تقویت شد؛ اما در ایران رشد نکرد و تنها برابری این دو ارز حفظ شد.

**آیا نرخ ارز فعلی در ایران واقعی است؟**

در حال حاضر در این‌باره دو اختلاف نظر وجود دارد. وزارت بازرگانی معتقد است نرخ فعلی ارز غیرواقعی است یعنی متناسب با نرخ تورم نیست، به همین دلیل تولیدکنندگان توانایی رقابت با کالاهای وارداتی را ندارند، در حالی که بانک مرکزی نرخ فعلی ارز را واقعی می‌داند. این نهاد سیاستگذار معتقد است نرخ ارز تابعی از عرضه و تقاضاست. یعنی در صورتی که افراد به بازار ارز مراجعه کنند به هر میزان که بخواهند می‌توانند ارز خرید و فروش کنند.

**به نظر شما کدامیک درست می‌گویند؟**

به عقیده من، وزارت بازرگانی و بانک مرکزی هر دو درست می‌گویند. این نرخ، نرخ ارز تعادلی است و به نحوی، نرخ رسمی نیز به شمار می‌رود. عقلای اقتصادی و سیاسی ما، عقلانیت سیاسی را بر عقلانیت اقتصادی برتری داده‌اند. آنان معتقدند در صورتی که بهای ارز

کشوری پایین باشد و در کنار آن، پایه پولی نیز تقویت شده باشد، قدرت اقتصادی آن کشور افزایش می‌یابد.

**حال که هر دوی این نهادها درست می‌گویند، پس تکلیف چیست؟**

بهترین راهکار این است که نرخ ارز را بهینه کنیم. نرخ بهینه‌ای که دو هدف را محقق کند؛ نخست قدرت رقابتی اقتصاد کشور را در بازارهای جهانی حفظ کند (بدین معنی که شکاف بین صادرات غیرنفتی و واردات را که در حال حاضر بسیار زیاد است و منجر به کسری تراز کشور شده، کم کند) و در گام بعد قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی را در برابر تولیدکنندگان خارجی کاهش دهد. به عبارت دیگر از یک طرف خروج سرمایه را تا حدودی از کشور کاهش دهد و از طرف دیگر جلوی سیل واردات بی رویه کالاهای خارجی را بگیرد.

**چگونه می‌توان به نرخ بهینه دست یافت؟**

اقتصاددانان تنها یک راه‌حل برای این موضوع ارائه کرده‌اند و آن ذخیره تمامی مازاد درآمدهای ارزی است که در نتیجه فروش نفت حاصل می‌شود. اگر دولت بانک مرکزی را تحت فشار قرار ندهد تا ارزها را در بازار بفروشد یا اینکه هزینه‌های دولت از این طریق تامین نشود، نرخ ارز بهینه خواهد شد.

**پیش‌بینی شما برای تحول نرخ ارز در میان‌مدت در کشور چیست؟**

نرخ ارز در کشور ما نرخ تعادلی است. نه می‌توان گفت نرخ بهینه است و نه می‌شود ادعا کرد بسیار پایین است. نرخ ارز در بازار عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. در آینده هم روند این گونه خواهد بود. البته اقتصاددانان به دولت پیشنهاد کرده‌اند که در صورت اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها، نرخ ارز کاملاً آزاد گذاشته شود. بدین معنی که در صورت لزوم به هر قیمتی افزایش یا کاهش یابد. البته این طرح در دست بررسی است و هنوز نهایی نشده است. در کنار این پیشنهاد طرح دیگری نیز برای حمایت از صادرات به دولت ارائه شده که آن هم در دستور کار دولت است. بر این اساس نرخ ارز برای صادرکنندگان از یک نرخ ترجیحی که بالاتر از نرخ کنونی می‌باشد برخوردار می‌شود تا قدرت رقابت‌پذیری صادرکنندگان و تولیدکنندگان افزایش یابد. با عملی شدن این پیشنهاد سیستم تک‌نرخ و یکسان ارز بعد از مدتها از بین خواهد رفت و مجدداً به سیستم دو نرخ یا چند نرخ ارز بر خواهیم گشت. به همین خاطر بعید است بانک مرکزی زیر بار این پیشنهاد برود. پیش‌بینی می‌شود نهایتاً با توجه به قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، نرخ کنونی ارز به این شکل ثابت باقی‌ماند و ممکن است تا حداقل یک پنجم قیمت فعلی، نرخ ارز افزوده گردد. بنابراین هر تغییر رویه در این زمینه به دولت بستگی دارد. البته مباحث ارز و نرخ آن بسیار متنوع، پیچیده و گسترده است که در یک جلسه نمی‌توان به آن پرداخت، ولی اگر چنانچه توفیقی حاصل گشت، می‌توان در شماره‌های بعدی به آن بیشتر پرداخت.